

مجله پژوهشهای اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷

جغرافیدانان مسلمان و تمدن اسلامی*

دکتر حسین غضنفرپور

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

چکیده

ظهور اسلام در سرزمین عربستان موجب شد که مسلمانان با یافتن هویت دینی موقعیت برتری نسبت به دیگر مسلمانان به دست آورند. ابتدا عربستان و در قرن دوم و سوم بغداد مرکزیت علمی پیدا کرد. در قرون چهارم و پنجم گسترش اسلام در شرق به وسیله جغرافیدانان صورت پذیرفت. علاقه مسلمانان به جغرافیا موجب شد که جغرافیا را از یونانیان اخذ نموده و بر آن بیفزایند و از آن در جهت توسعه اسلام استفاده نمایند. مسلمانان پس از یونان پایگاه دوم علمی را به دست آوردند و پس از پایان قرون وسطی کمک شایانی به غرب کردند. به عبارتی، از یونان علوم را گرفتند در سرزمین های اسلامی توسعه دادند و به غرب هدیه کردند. جغرافیدانان مسلمان در توسعه تمدن اسلامی نقش به سزایی داشتند؛ خصوصاً در گسترش به شرق که با علم و منطق همراه بود و به اشکال گوناگون و در نقش های مختلف، زمینه توسعه تمدن اسلامی را فراهم آوردند. در این مقاله دلایل توجه مسلمانان به جغرافیا، نقش آنان در تمدن اسلامی و نقش جغرافیدانان مسلمان ایرانی در توسعه تمدن اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

جغرافیدانان مسلمان، تمدن اسلامی، توسعه، اسلام.

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۶

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۵/۱۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Ghazanfarpour_dr@yahoo.com

۱- مقدمه

ظهور اسلام آغازی بر تحولات عظیمی است که در مدت چهارده قرن ادامه دارد. تحولات شگرف فکری و فرهنگی، از بدویت به تمدن، از تاریکی و ظلمت و جهل به روشنایی و تحولات اقتصادی از بیانگردی و رمة گردانی به سازمان اقتصادی توسعه یافته، تحول اجتماعی از طبقه‌بندی اشرافی به جامعه بی طبقه توحیدی که ایمان و اعتقاد مبنای تمایز قرار گرفت و تحول سیاسی از جامعه قبیله‌ای به سازمان نظام یافته سیاسی متحد با عنوان حکومت اسلامی. تغییر فضای جغرافیایی از سرزمین بیابانی عربستان به سرزمین‌های مستعد و پرنعمت شمال آفریقا، عراق و ایران و آسیای جنوب و جنوب شرق تا قلب اروپا. منشأ همه این تغییر و تحولات، اسلام است که در طی چهارده قرن فراز و نشیب را پشت سر گذاشته و امروزه به یکی از تمدن‌های مهم و تأثیرگذار در جهان تبدیل شده است. در توسعه تمدن اسلامی این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی موجب رشد و گسترش سریع اسلام شد. به طوری که در کمتر از یک سده از ظهور اسلام مناطق وسیعی از خاورمیانه، شمال آفریقا، ماوراءالنهر، جنوب و جنوب شرق آسیا تحت سیطره اسلام درآمد و اسلام تا قلب اروپا گسترش یافت؟ اگر دین مبین اسلام را به عنوان جوهره وجود این توسعه قلمداد کنیم و تفکر اسلامی را خمیر مایه و علت آن بدانیم، یقیناً ابزار و وسیله این گسترش، جغرافیدانان مسلمان بودند که با عناوین و قالب‌های مختلف در توسعه و گسترش اسلام نقش بارزی ایفا کردند.

جغرافیدانان مسلمان با عناوینی چون، فرماندهان نظامی، پیشقراولان سپاه، آگاهان ممالک و مسالک، ستاره شناسان، مترجمان آثار یونانی، دریانوردان و بازرگانان، خدمت بی نظیری به اسلام و توسعه قلمرو اسلامی کردند. آنچه مطرح می‌شود، این است که جغرافیدانان مسلمان چه کسانی بودند و چگونه و چه خدماتی به گسترش اسلام کردند؟ واقعیت این است که جغرافیدانان مسلمان تحت تأثیر موقعیت طبیعی و جغرافیایی و شرایط و چگونگی فتوحات اسلامی در خارج از سرزمین عربستان نقش جاده صاف کن سپاه اسلام را بازی می کردند.

آگاهی از نقاط عبور سپاه، مسیرها و راه‌های ارتباطی، مسیرهای مناسب و امن عبور سپاه اسلام، یافتن مناطق حساس نظامی و استراتژیکی، یافتن کوتاه‌ترین راه‌های عبور، آگاهی از وضعیت سپاه دشمن، اولویت بندی تحرکات نظامی با توجه به موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین‌ها، به دست آوردن اطلاعات از سرزمین‌هایی که در مسیر فتوحات اسلامی قرار گرفته بودند، جغرافیدانان را به عنوان پیش قراولان توسعه و گسترش قلمرو اسلامی قرار داده بود.

۲- دلایل توجه مسلمانان به جغرافیا

۱- دین مبین اسلام در زمان نسبتاً کوتاهی به تمام غرب آسیا، شمال آفریقا، در سال ۶۳۷ م ۱۶هـ. به بین النهرین، ۶۴۰ م ۱۹هـ. به سوریه، ۶۴۲ م ۲۱هـ. به مصر، ۶۴۳ م ۲۲هـ. به شمال آفریقا، ۶۵۰ م ۲۹هـ. و به جنوب ایران، نفوذ و گسترش پیدا کرد و در ۷۵۵ م ۱۳۴هـ. به اسپانیا و در ۸۲۷ م ۲۰۶هـ. به جزیره سیسیل و از آن پس، کم کم به نواحی حاره‌ای آفریقا، همچون سودان، سواحل شرقی آفریقا، نظیر زنگبار، به جزیره جاوه و سوماترا و جزایر مالزی نفوذ کرد. متعاقب این پیشروی دید جغرافیایی را همراه با انتشار آیین انسان ساز اسلام آن چنان در سه قاره، یعنی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر و از جنگل‌های سیری و استپ‌های روسیه به طرف اقیانوس هند تا بخش‌های مرکزی آفریقا مطرح می‌کند که علما و پژوهشگران با اشتیاق تمام به بحث و بررسی مطالب جغرافیایی می‌پردازند.

مسلمانان در جایگاه دوم پس از یونانیان در توسعه علم و دانش قرار گرفتند. زیرا مسلمانان علوم یونانی را از طریق ترجمه به دست آوردند و با نبوغ فکری خود درهم آمیختند و علوم روز را پدید آوردند که بعدها منبع و مرجعی برای اروپاییان پس از قرون وسطی شدند. آیین مسیحیت بیش از هر چیز بر ایمان استوار بود. فلسفه یونانی کوششی در جهت تغییر منطقی و عقلی تجربه بود. دانشمندان مسلمانان سعی بر آن داشتند تا تعهد به عقل را با ایمان خود درهم آمیزند و این امر تنها می‌توانست با سازگاری ایمان و عقل عملی شود. تأکید قرآن کریم، دستورات پیامبر، ائمه و بزرگان دین بر ترکیب عقل و ایمان و ایمان و عمل به عنوان دو بال پرواز، مسلمانان را به پیشرفت شگرفی در سایه عمل به این دستور رساند؛ به طوری که مسلمانان در قرون دوم و سوم هجری، هشتم و نهم میلادی، پیشرفت‌های بی نظیری در علم، ساخت ابزار و وسایل صنعتی و علمی و دریانوردی را به دست آوردند. از جمله ساخت کشتی‌های بادبانی، جهت یاب، ساعت و غیره... همین که فتوحات اولیه مسلمانان به اتمام رسید، آنان با دانش هند و یونان ارتباط یافتند. کنجکاوی شدیدی هم وجودشان را فرا گرفت و آنان از مراکز مختلف مقاصد علمی را با اشتیاق دنبال کردند. شیوه نگرش مسلمانان صدر اسلام به علم، شیوه شکیبایی و تحمل و تنویر افکار (رهایی بخشیدن از خرافات) بود. ادامه یافتن فعالیت فرهنگستان جندی شاپور در مقام مرکز علمی در امپراطوری اسلام گواه این امر است.

۲- سفر مسلمانان به مکه معظمه برای انجام فرائض دینی، ارتباط با اقوام ملل مناطق مختلف را ضروری می‌ساخت. سفر حج از دو جهت جغرافیایی محسوب می‌شد: اول از جهت اینکه مسلمانان از نقاط مختلف می‌بایست مسیرهایی را طی کنند و کوتاه‌ترین، امن‌ترین، و بهترین مسیر می‌بایست انتخاب شود و لذا آگاهان به ممالک و مسالک که جغرافیدانان بودند، در

رهبری زایران خانه خدا نقش مهمی داشتند. دوم اینکه در مراوده و ارتباط مسلمانان با یکدیگر که هر یک از بلاد مختلف به حج آمده بودند، دانش جغرافیایی تکمیل می شد.

۳- فتوحات اسلامی و تصرف سرزمین‌های جدید نیازمند راهنمایان زبده بود که سپاه اسلام را از مسیرهای مطمئن و امن و کوتاه عبور دهند و با آگاهی از سرزمین و نیروهای طرف مقابل، راه پیروزی سپاه اسلام را همواره سازند.

۴- ضرورت توجه به قبله و به جای آوردن فريضة نماز، موجب شد که جغرافیدانان مسلمان در هر یک از سرزمین‌های اسلامی به عنوان راهنمایان قبله و طول و عرض جغرافیایی عمل نمایند.

۵- تعیین وقت شرعی و روزهای مقدس عید قربان و فطر، ستاره‌شناسی را به عنوان یک علم مطرح کرد و جغرافیدانان در تعیین اوقات شرعی به عنوان راهنمایان بلاد اسلامی عمل می کردند.

۶- تفاوت در چهره طبیعی و انسانی سرزمین‌های اسلامی (سرزمین‌های بیابانی، نیمه خشک، مرطوب، هموار، کوهستانی، سواحل، بنادر و جزایر، ارتفاعات بلند، آب و هوای متنوع، حاصلخیزی متفاوت، تفاوت در نژادها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها، افکار و اندیشه‌ها) نیازمند جغرافیدانانی بود که پاسخگوی سئوالات مردم و راهنمای آنان باشد.

۷- کمبود آب از دیرباز موجب شد تا اقوام ساکن استپ‌های نواحی خشک، موقعیت جغرافیایی چاه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها و مراتع را شناسایی کنند و ضرورت ثبت و ضبط موقعیت‌ها موجب شد تا جغرافیدانان به نوشتن فرهنگ آبادی‌ها اقدام نمایند که قدیمی‌ترین آنها «المعجم» بکری در قرن اول هجری می باشد.

۸- گسترش اسلام در نواحی استپی و صحرایی و حاکم بودن معیشت چوپانی و دامداری، گله‌ها و رمه‌ها، یعنی گرانبهاترین مایملک ساکنان صحرایی، ناگزیر می‌بایست در جستجوی چراگاه‌های بهتر و سرسبزتر گاه و بیگاه جابه‌جا شوند. بدیهی است دانش مربوط به گیاهان و چراگاه‌ها و مراتع و یافتن مناطق مساعد برای سکونت صحرائشینان، جغرافیدانان را به عنوان راهنمایان آنان مطرح می ساخت (قره نژاد، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵).

۹- توسعه قدرت سیاسی و برقراری اخوت اسلامی، اطلاعات درباره سرزمین‌های اسلامی را به صورت یکی از علایق پیوسته روزافزون درآورد و جغرافیدانان مسلمانان نقش بارزی در بازشناسی سرزمین‌های اسلامی برای زمامداران و سیاستمداران بودند. به عبارتی، نقش عصای دست را بر آنان ایفا می کردند.

۱۰- مسلمانان در صحرا به دنیا آمده و رشد کرده بودند؛ بنابراین، فرزندان صحرا به ستاره‌شناسی توجه شایانی داشتند و این علم در نظر آنان از ارزش کاربردی فراوانی برخوردار بود.

این علم با ریاضیات همبستگی نزدیکی داشت و از این جهت، جغرافیای ریاضی و ترسیم نقشه بسیار زود مورد توجه قرار گرفت. (نفیس احمد، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

۱۱- مسافرت به سرزمین‌های اسلامی و نوشتن تجربیات سفر در قالب سفرنامه‌ها، اطلاعات با ارزش جغرافیایی را به یادگار گذاشتند.

۱۲- اعراب به موضوعات مربوط به دانش جغرافیا علاقه موروثی داشتند. آنان حتی پیش از تولد مسیح و پس از آن، در شمار بزرگترین بازرگانان و دریانوردان دریای عرب (دریای عرب در بخش غربی اقیانوس هند قرار دارد و با همین نام مشهور است و منظور خلیج فارس نیست) و اقیانوس هند و دریای چین بودند.

این فعالیت‌ها شدیداً تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی عربستان بود و این سرزمین در نیمه راه مشرق به مغرب و تمام زمین‌های حاصلخیزش در یمامه، یمن، بحرین و عمان که در ساحل دریا قرار داشتند، بود. اعرابی که در درون کشور و دور از دریا زندگی می‌کردند، با زراعت اندک و اقتصاد چادرنشینی و بدوی خود پیوسته با مشکلاتی از قبیل منابع طبیعی، وسعت چراگاه‌ها، پراکندگی گیاهان و حیوانات صحرایی و عوارض طبیعی زمین رو در رو بودند؛ بنابراین، علاقه اعراب به مسایل جغرافیایی علاقه‌ای عمیق بود (نفیس احمد، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که مسلمانان به دلیل ضرورت‌ها و علل متعدد، به جغرافیا به عنوان علمی که نقش عمده‌ای در توسعه تمدن اسلامی و حل مسایل و مشکلات آنها دارد، توجه نشان دهند. بیش از هر چیز، الزامات مکانی و زمانی سبب می‌شد که جغرافیا به عنوان مهمترین و مؤثرترین علم، مسایل و مشکلات آنان را حل و در توسعه قلمرو اسلامی به آنان کمک نماید.

۳- تأثیر متقابل جغرافیای اسلامی و جغرافیای غرب

زمانی که اسلام ظهور و گسترش پیدا می‌کرد، اروپا دوران قرون وسطی را می‌گذراند. بنابراین، مهمترین منابع و مراجع جغرافیایی مسلمانان کتب یونانی بود که از دو طریق مسلمانان به این منابع دست یافتند:

۱- ترجمه آثار یونانی،

۲- توسعه قلمرو اسلامی و همجواری ممالک اسلامی با سرزمین یونان.

آنچه مسلم است، جغرافیای یونانی به جغرافیدانان مسلمان کمک کرد تا بر پایه علمی تحول یابند. جغرافیای اسلامی در حد فاصل جغرافیای یونانی و غرب قرار گرفت و زمانی که جغرافیای اسلامی رشد و گسترش می‌یافت، جغرافیای غرب تحت سیطره کلیسای قرون وسطی، دوران سکوت و بی خبری را طی می‌کرد. مسلمانان تشنه علم، در پی توصیه‌های اسلامی سعی در آموختن داشتند و نفوذ جغرافیای یونانی با ترجمه آثار بطليموس و دیگر اخترشناسان و فیلسوفان یونانی به زبان عربی، چه مستقیماً و چه از طریق زبان سریانی، آغاز

گردید. جغرافیای بطليموس، تیمائوس افلاطون، علم کیفیات جوی دکلو، اسماء العالم و متافیزیک ارسطو، منظره‌های ثوابت و مقالات الاربعه به عربی ترجمه شد و مبنای مفاهیم، نظریه‌ها و نتایج رصد‌های نجومی قرار گرفت (فرانسیس تشرن، ۱۳۷۵، ص ۹).

همجوارى مسلمانان در سایه فتوحات اسلامى با سرزمین یونان سبب آشنایی بیشتر مسلمانان با آثار یونانی شد. دانش پیشرفته یونانی در اختیار مسلمانان قرار گرفت و آنان نیز با ولع تمام به فرا گرفتن علوم مشغول شدند و نتایج یافته‌های علمی مسلمانان در بغداد که مرکز خلافت اسلامی از قرن دوم به بعد بود، تمرکز پیدا کرد. اما در همین زمان، جغرافیا در سرزمین‌های غربی (اروپایی) وضعیت دیگری داشت. جغرافیا در قرون قدیم جزئی از علوم کلاسیک محسوب می‌شد و در قرون وسطی به صورت مستقل مورد مطالعه فراگرفت تا جایی که شناسایی سرزمین‌های جدید همراه با اطلاعات تازه جغرافیایی، علم مکان را به صورت علمی کاملاً نو مطرح می‌کرد. در آغاز قرون وسطی (چهارم م) مطالعات مربوط به علم جغرافیا در دنیای غرب و دنیای اسلام در مسیرهای کاملاً متفاوت از هم مورد مذاقه قرار گرفت. یعنی زمانی که مطالب جغرافیا در بلاد اسلامی از قرون وسطی به صورت منطقی و علمی تعقیب می‌شد، در غرب از اواخر قرون وسطی و نخستین روزهای رنسانس (پانزدهم م) توانست با رهایی از قید اندیشه و تفکرات کلیسا قدم‌های سریع و نوینی در جغرافیا بردارد.

بعد از انقراض روم و افول فرهنگ قدیم یعنی اوایل قرون وسطی (چهارم م) تا اواخر جنگ‌های صلیبی (پانزدهم م)، مطالعات مربوط به علم جغرافیا در دنیای کلیسای مسیحی سیر قهقرای پیمود. ایمان و باورهای کلیسا به عقل و علم را تحت الشعاع قرار می‌داد، باعث شد تا جغرافیای کلاسیک قرون قدیم در نتیجه فشار کلیسا به فراموشی سپرده شود. تا اواخر قرن چهاردهم که علم مکان (جغرافیا) در نتیجه تعصب مسیحیت در غرب بی جان شده بود، در جهان اسلام و بویژه در مشرق و اندلس، با وجود جغرافیدانان ایرانی، عرب و ترک دوره بسیار روشنی را می‌گذارند و توسعه می‌یافت (قره نژاد، ۱۳۷۱، ص ۱۳۲). نفوذ و تأثیر جغرافیایی مسلمانان بر غرب به دلیل شکوفایی دانش جغرافیا نزد مسلمین آغاز گردید. غرب با دنیای اسلامی دو تماس مهم تاریخی داشته است: یکی در جریان جنگ‌های صلیبی با دنیایی روبه روشد که برای او کاملاً تازگی داشت. از حیث فکری و معنوی از تمدن فاخر اسلامی چیزهای فراوانی فرا گرفت. تماس دیگر پس از ظهور تمدن جدید و آغاز عصر جهان‌گشایی غرب حاصل شد. این بار غرب با پشتوانه فرهنگ و تمدن تازه‌ای که از رنسانس آغاز شد و با انقلاب فرانسه تجسم یافت، به سوی این عالم آمد و حضور خود را به صورت استعمار در جهان اسلام اعلام داشت (خاتمی، ۱۳۷۷، ص ۹۷).

در پایان دوره ای که آن را قرون وسطی می نامند، جهان غرب در ساخت اندیشه و عرصه اجتماع، اقتصاد و سیاست، شاهد تحولاتی بود که در واقع، تحولی شد بزرگتر و اساساً وضع اروپا و به تبع آن، عالم و آدم را دگرگون کرد. معمولاً دو واقعه بزرگ را مدخل انسان غربی به دنیای جدید می دانند: یکی نوزایش (رنسانس) و دیگری حرکت اصلاحی (رفورماسیون) که ریشه هر دو واقعه در متن قرون وسطی و قرن ها قبل از تحقق کامل آنها وجود داشت (خاتمی ۱۳۷۷، ص ۱۵۵).

رشد جغرافیا در سرزمینهای اسلامی و تحولاتی که در غرب در پایان قرون وسطی ایجاد شده، زمینه را برای پذیرش نفوذ جغرافیایی اسلامی بر غرب فراهم ساخت. یعنی مسلمین علم را از یونان گرفتند، با نبوغ خود پرورش دادند و آن را به غرب هدید کردند. خدمات جغرافیایی مسلمانان بخشی از تجدید حیات فکری ای است که طلوع تمدن اسلامی را مشخص می کند. رشد و گسترش این تمدن با نمایان شدن روح تازه علمی که به نحوی بارز خرد را بر قدرت چیره کرد، پیوند نزدیک داشت. آزادی فکری مسلمانان حیرت انگیز بود. چرا که دوران آنان زمانه ایمان و اطلاعات محض بود. شکیبایی، وسعت نظر، اشتیاق به فراگیری و توسعه مرزهای دانش از صفات مسلمانان بود. علم جغرافیا در این دوران با توسعه فرهنگ و پیشرفت علمی در سرزمین های اسلامی پیوند نزدیک داشت و تا آن جا ادامه یافت که توجه مردمان خردمند را جلب کرد. به گفته اسانیسلاس گویار.... «تاریخ اسلام در قرون وسطی، خود تاریخ تمدن است». زیرا سیاحان اروپایی برای کسب اطلاعات مورد نیاز خود تا حد بسیار زیادی بر منابع و مآخذ مسلمین تکیه داشتند مارکوپولو بسیاری از اسامی جغرافیایی را به شکل پارسی آنها به کار برده. آثار تاریخی - جغرافیایی رشید الدین در میان تالیفات معاصرانش در شرق و غرب بی همتاست. حاجی خلیه رساله کشف الظنون را در باب جغرافیا پدید آورد. در کشتیرانی و اطلاعات مربوط به دریاها، کتاب های شهاب الدین و المهری در مقام همانندی می تواند با بهترین نمونه های روزگاران پرنس هنری دریانورد قرار گیرد. جغرافیایی لاتین تا قبل از قرن ششم ه در مرتبه بسیار پایین تری از جغرافیای اسلامی قرار داشت. تمدن اسلامی با اروپای قرون وسطی در نقاط متعدد، از جمله اسپانیا، سیسیل و آسیای مدیترانه تماس جغرافیای داشتند و غرب هر زمان که نیاز به دانش ژرف تر و تازه تر احساس می کرد، همواره به منابع عربی روی می آورد. نخستین ترجمه جامع مجسطی در سال ۵۷۰ هـ ق، ۱۱۷۵ م به وسیله جerald انجام پذیرفت و از طریق این ترجمه بود که این کتاب برای اولین بار به غرب انتقال یافت. قرن ها پیش از کلمبوس، اقیانوس هند، اطلس و آرام خط سیر ملوانان مسلمان بود و دیانوردان مشهور مسلمان مانند محمد بن شاذان، سهل بن ایان، لیث بن کهلان و احمد بن ماجد کشتیرانان سده نهم هجری و پانزده میلادی می باشند. اعراب در این

سده از کاربرد قطب نما آگاهی داشتند. جداول دریایی برای تعیین موفقیت کشورها در اختیار داشتند. دانش مربوط به بسیاری از نواحی آفریقا از جمله صحرا، سودان، غنا، سواحل گینه، نیجر در اصل از منابع مسلمانان کسب شد. مسلمانان شمال آفریقا از ثروت این مناطق آگاهی داشتند و دانش این سرزمین ها از طریق آنان به سرزمین های مدیترانه در اروپا برده شد. اندیشه های جغرافیایی مسلمانان در طول قرن هایی که غرب در تاریکی و غفلت از علم به سر می برد، راه خود را به سوی اروپا ادامه داد. از این رو، بسیاری از مفاهیم جغرافیایی متداول و اصلی مسلمانان به تدریج به غرب رسید. به طور کلی، سده های ششم تا نهم هجری، دوازده تا پانزده میلادی دوره انتقال، سازش، کشش و آمیزش بود؛ زیرا در آن زمان بود که فرهنگ های باهم ناسازگار اسلام و مسیحیت به بیشترین وجهی به یکدیگر نزدیک شدند که نتیجه اش آفرینش هسته اروپای جدید بود و این در اصل یونانی-عربی-لاتین بود. علم اسلامی برتری خود را در اروپا تا آن زمان که کوپر نیک اندیشه های انقلابی خود را به چاپ رساند تا ظهور علوم تجربی در سده نهم هجری حفظ کرد. اما علوم عرب تا زمانی بسیار دراز تر تقریباً تأییدش روش علمی و تا هنگام نزدیک شدن انقلاب صنعتی (قرن هیجدهم) به صورت عاملی در افکار اروپایی هنوز باقی ماند (نفیس احمد، ۱۳۷۴، صص ۱۵۱-۱۲۹).

۴- جغرافیدانان مسلمان و عملکرد آنان

مسلمانان در قرون اولیه اسلامی به پیشرفت های بی نظیری دست یافتند. از تجزیه و تحلیل شرایط وزمان و مکان و روحیات حاکم بر آنها می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- آنچه مسلمانان را در آموختن و فراگیری دانش مصمم می ساخت، دستوهای اسلامی و سفارش به فراگیری علم و دانش بود.

۲- با توجه به اینکه مدت زیادی از ظهور اسلام و پیامبر وائمه و پیشوایان دینی نگذاشته بود، لذا سفارشات آنان بر مسلمانان حجت فرض می شد و لزوم عمل به واجبات و دستورها، آنان را ملزم به انجام وظیفه می کرد.

۳- فتوحات گسترده اسلامی به مسلمانان روحیه مضاعف بخشیده و روحیه شکست ناپذیری را برای آنان به ارمغان آورده بود.

۴- فتح سرزمین ها و آشنایی با اقوام، افکار و اندیشه ها، مشاهده پیشرفت ها در کشورهای چون ایران، شام و مصر مسلمانان را ترغیب می کرد تا به پیشرفت های آنان دست یابند و لذا تلاش مضاعفی برای جبران عقب ماندگی خود می کردند.

۵- زندگی در سرزمین خشک و بیابانی عربستان و آیین نجات بخش اسلام، مسلمانان را مردمی با اراده و قوی بار آورده بود و آنان در مواجهه با مسایل سعی می نمودند تا تحت هر شرایط، مشکلات را از پیش پای خود بردارند.

مجموعه این عوامل باعث شد تا مسلمانان به پیروزی های چشمگیری در دو تاسه قرن اولیه اسلامی دست یابند و پس از فتوحات اولیه اسلامی، دوره سازندگی، تدبیر، تفکر، پرداختن به دانش و فناوری فرارسید و مسلمین در این زمینه موفقیت های زیادی به دست آوردند. جغرافیدانان مسلمان از قرن سوم شروع به نگارش کردند. اولین کتاب ها به نام المسالك و الممالك بود. جغرافیدانانی مانند ابن خردادبه، یعقوبی وابن رسته در قرن سوم به نوشتن پرداختند. اما جغرافی نویسی منظم از قرن چهارم به عرصه ظهور رسید. جغرافی نویسان این قرن هر یک از ممالك اسلام را به حد کفایت وصف نمودند و ضمناً از راه های آن ممالك به طور جداگانه سخن به میان آوردند. سه نفر از این جغرافیدانان عبارتند از: اصطخری، ابن حوقل و مقدسی آثار آنان شاید از بزرگترین واصل ترین کتاب های جغرافی نویسان عرب باشد. کتاب ابن حوقل نسخه ای جدیدتر و مشروح تر از کتاب اصطخری است. در کتاب اصطخری، جغرافیای فارسی بطور مشروح نوشته شده. در قرن پنجم سفر نامه ابن جبیر عرب اندلسی، در قرن ششم فارسنامه که با دقت بسیار جغرافیای فارس را نوشته، در نیمه همین قرن کتاب ادریسی، در قرن هفتم معجم البلدان یاقوت حموی، در قرن هشتم کتاب ابوالفداء و سفرنامه ابن بطوطه و کتاب حمد الله مستوفی و کتاب جغرافیای حافظ ابرو در نیمه اول قرن نهم نوشته شد (لسترنج، ۱۳۶۷، دیباچه ص ۱۳).

قدیمی ترین نوشته شناخته شده جغرافیدانان مسلمان اثر هشام بن محمد الکلبی است. محمد بن موسی خوارزمی اساس علم جغرافیای عربی را پایه ریزی کرد. کتاب صوره الارض در سده سوم هجری نوشته شد. نالینو در شایستگی کتاب خوارزمی می نویسد « این کتاب اثری است که هیچ ملت اروپایی نتوانسته است در سرآغاز فعالیت علمی خود نظیر آن را به وجود آورد». ابویوسف یعقوب کندی معاصر خوارزمی کتاب «رسم المعمور من الارض» را که توصیف مناطق مسکونی زمین است، نوشت. ثابت بن قره کتاب بطلمیوس را ترجمه کرد. سرخسی اهل خراسان بود. در اثری که تألیف کرد، به جغرافیا بیش از ریاضی و اخترشناسی پرداخته. ابن خردادبه از اعقاب ایرانی، کتاب «المسالک و الممالك» نوشت که توصیفات راه های تجاری و مناطق دوری نظیر چین، کره، ژاپن در آن آمده است. بلاذری اگرچه مورخ است، اما کتاب «فتوح البلدان» وی جغرافیای کامل است. بلاذری ایرانی الاصل می باشد و پیرو مذهب تشیع. فتوح البلدان یک اثر جغرافیایی است؛ زیرا تعداد عنوان های جغرافیایی که در این کتاب به کار رفته، از ۱۲۰۰ تجاوز می کند (بلاذری ۱۳۶۷، ۱۵۶). یعقوبی شیعه بوده و فرهنگ جغرافیایی «البلدان» را که اطلاعات زیادی در مورد عربستان، مصر، هند، چین، روم و جزئیات راه های ایران دارد نوشته و وی را پدر جغرافیای اسلامی نامیده اند. همدانی در همدان به دنیا آمد. کتاب «البلدان» را نوشت. ابن رسته کتاب خود را در اصفهان تألیف کرد

که اطلاعات خوبی درباره ایران ارائه می دهد. ابن فضلان از نخستین سیاحان مسلمان است که گزارش های او نواحی دریای خزر و ولگا نوشته شده است. جیهانی در دربار سامانیان شغل وزارت داشت. کتاب «اشکال العالم» را نوشت و مجموعه ای است که محقق آگاه و ایرانی آن را نوشته (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۶). بلخی یکی از نخستین مسلمانانی است که به کار نقشه کشی پرداخته (نفیس احمد، ۱۳۷۴، ۳۵). اصطخری کتاب «المسالك و الممالك» را نوشت. وی از مردم فارس بود. ذکر دریاها از جمله دریای پارس، روم و از چین تا آفریقا از دریای روم تا دریای پارس و گستره سرزمین اسلامی را نام برد. بحر روم، بحر خزر، دریای عرب، دریای مغرب، دریای مصر، شام، جزیره، عراق، خوزستان، دریای پارس، بلاد کرمان، بلاد سند، ارمنیه، دیار کوهستان، دیار دیلم، سیستان، اقلیم خراسان، دیار ماوراءالنهر این مناطق را با ذکر جزئیات نوشته است (اصطخری، ۱۳۶۸، مقدمه ص ۹).

ابن حوقل، سیاح معروف و جغرافیدان عرب، کتاب ایران در صوره الارض شامل دریای فارس، مداین، خوزستان، فارس، کرمان، ... را نوشته. ویژگی این کتاب این است که نواحی ولایات را با نقشه نشان داده است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶، مقدمه ص ۱۲).

مسعودی، مورخ و جغرافیدان بزرگ اسلامی، به ابن مسعود صحابی پیامبر می رسد و شور و شوق دانش اندوزی وی را به سیر و سیاحت می کشاند. از عراق، ایران، مصر، سوریه، فلسطین، ارمنستان، هند، سیلان و عمان، سواحی شرق آفریقا، چین و مالزی دیدار کرد. وی پیرو مذهب شیعه بود و سی و شش اثر تألیف نمود که آخرین آنها تنبیه الاشراف است. (مسعودی، ۱۳۶۵، پیشگفتار).

مقدسی عرب و مادرش ایرانی و از قومس (دامغان) بوده است. وی مانند دیگر جغرافیدانان معاصر خود همچون اصطخری و ابن حوقل بسیار سفر کرده و ممالک اسلامی را به ۱۴ ایالت تقسیم کرده و برای هر یک نقشه جداگانه ای ترسیم نموده (مقدسی، ۱۳۶۱، دیباچه).

ابوریحان بیرونی در میان دانشمندان حکم یکتا را دارد. وی طبیعی دان، زمین شناس، اخترشناس، جغرافیدان و ریاضیدان بود. در سال ۳۶۲ هـ در خیوه از حومه خوارزم به دنیا آمد. به دستور سلطان محمود غزنوی به غزنین برده شد. در برخی از ۱۷ لشکرکشی سلطان به هند همراه او بود. زبان سانسکریت آموخت و کتاب تحقیق ماللهند را نوشت. ناصر خسرو سیاح پارسی در بلخ در سال ۳۹۳ هـ ق به دنیا آمد. به هندوستان، عربستان، فلسطین مسافرت کرد و در سال ۴۳۶ سفرنامه خود را به فارسی نوشت. وی در چهل سالگی دچار انقلاب روحی شد. شغل دیوانی را رها کرد و به قصد زیارت خانه خدا خراسان را ترک نمود و سفرنامه ای پدید آورد که حاوی اطلاعات بسیار خوب جغرافیایی است (آلیس سی. هانسبرگر، ۱۳۸۲، ص ۱۱). اسپانیا جغرافیدانان به نامی را پرورش داد؛ از جمله می توان از عبدالعزیز بکری نام برد. وی

فرهنگ جغرافیایی تألیف کرد و نخستین اسپانیولی مسلمان است که در سال ۳۴۲ هـ ق متولد شد. محمود بن ابوبکر غرناطی جغرافیدان به نام و یکی از معدود نویسندگانی است که آثار خود را «جغرافیا» نامید. مقارن ۵۳۲ هـ ق می‌زیست. المازنی در سال ۴۳۷ متولد شد و از معاصران ادریسی است. مسافرت‌های زیادی به خراسان، حلب، آفریقا، اردبیل و سواحل دریای خزر داشته است. منجم اسحق بن حسین، جغرافیدان اسپانیولی است. در مراکش زندگی می‌کرد. فرهنگ جغرافیایی تألیف کرد. ابومحمد العبدری اهل والنسیا، در سال ۶۸۸ هـ ق از سفر خود به شمال آفریقا گزارش نوشت. ابن جبیر در اصل اهل والنسیا بود. در سال ۵۳۹ هـ ق به دنیا آمد. گزارش روزانه خود به مکه را با نام رحله ابن جبیر منتشر کرد. در گزارشات خود فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی بخش مسلمان نشین سرزمین‌های مدیترانه را به نحو جالبی روشن کرده. ابن سعید مغربی ۶۷۲ هـ ق کتاب مهمی به نام الجغرافیا فی الاقالیم نوشت. به شمال، آفریقا، ارمنستان و اروپای شمالی مسافرت کرده است. ادریسی در غرب مشهورترین جغرافیدان مسلمان است و برخی وی را بزرگترین جغرافیدان و نقشه‌کش قرون وسطی می‌دانند. وی از خانواده علوی بوده، کره آسمانی و شبی از دنیای شناخته شده آن روز را ساخت و به همین دلیل، شهرت فراوانی به دست آورد (نفس احمد، ۱۳۷۴، صص ۵۱-۴۰). یاقوت حموی یونانی الاصل بود. وی در سال ۵۴۷ هـ ق به دنیا آمد و یکی از نامدارترین جغرافیدانان مسلمان است. اثر وی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا از دنیای اسلام پیش از مغول تصویری را به دست می‌دهد و کتاب معجم البلدان موضوعات تاریخی، نژادشناسی و گزارشی مفصل از سرزمین‌های اسلامی از اسپانیا تا ماوراءالنهر و هندوستان است. وی در سال ۶۰۰ هـ ق در قزوین متولد شده. در جوانی از قزوین مهاجرت کرد. تألیفات وی «عجایب المخلوقات» و «غرایب الموجودات آثار البلاد و اخبار العباد» است. اقالیم مختلف و محدوده جغرافیایی آنها و هفت اقلیم را به تفصیل بیان می‌نماید و به تشریح موقعیت جهان اسلام می‌پردازد (قزوینی، ۱۳۶۶، مقدمه).

ابوالفداء به ایوبیان مصر وابسته است. در سال ۶۲۷ هـ ق در دمشق به دنیا آمد و اثر وی تقویم البلدان نام دارد. حمدالله مستوفی کتابی به نام نزهه القلوب به فارسی نوشت و وضعیت دنیای اسلام را پس از حمله مغول به تصویر کشید. اطلاعات گسترده‌ای از ایران، آسیای مرکزی، ژاپن، جاوه و سوماترا به دست می‌دهد. دمشقی در سال ۷۲۵ هـ ق کتابی در گیتی‌شناسی و اطلاعات درباره دانش عرب از جنوب هند به دست می‌دهد. ابن بطوطه در سال ۷۰۳ در طنجه مراکش به دنیا آمد و سفرش حدود ۳۰ سال طول کشید. تقریرات وی به نام رحله ابن بطوطه نام دارد. طول مسافرت‌های وی را ۱۲۰ هزار کیلومتر تخمین می‌زنند که بیش از مسافرت مارکوپولو است. حکایت سفرهای ابن بطوطه در ایران جالب و شنیدنی است و

بسیاری از نقاط ایران را دیده است و از اوضاع و احوال و فرهنگ و آداب و رسوم و معیشت و اقتصاد و اعتقاد مردم سخن گفته است (سفرنامه ابن بطوطه، ۱۳۷۰، مقدمه).

حافظ ابرو از وی به عنوان مورخ و جغرافیدان پارسی یاد می‌کند. او در سال ۸۳۳ از دنیا رفت. صاحب آثاری در تاریخ اسلام و ایران، خاصه تیمور و شاهرخ است. بخشی از اطلاعات حافظ ابرو از خصوصیات جغرافیای سرزمین‌های اسلامی است. جلد سوم کتاب حافظ ابرو مشتمل بر جغرافیای تاریخی کرمان و هرمز است (جغرافیای حافظ ابرو، ۱۳۷۸، مقدمه).

عبدالرزاق در سال ۸۱۶ هـ ق در هرات به دنیا آمد. او مورخ پارسی و ممتازی بود و کتاب وی به نام «مطلع السعیدین و مجمع البحرین» یکی از مهمترین و اصیل‌ترین منابع اطلاعات در زمینه دانش جغرافیاست.

ابوالفضل علامی متولد ۹۵۸ هـ ق کتاب آیین اکبری را به پارسی نوشت. اشارات جغرافیایی کتاب توصیفی از اقلیم، مساحی عمومی صحنه جغرافیایی هند است. (نفیس احمد، ۱۳۷۴، ص ۵۶). امین احمد رازی اهل ری بود. کتاب هفت اقلیم را نوشت و این کتاب دایره المعارف موضوع نگاری و اطلاعات براساس اقلیم‌هاست و نخستین دایره المعارف به زبان پارسی است. کتاب وی در سال ۱۰۰۲ هـ ق نوشته شده است. محمدبن عمر بن بایزید عاشق در سال ۱۰۰۶ در دمشق به دنیا آمد. کتاب مناظر العالم را نوشت. حاجی خلیفه کتاب کشف الظنون را که به نام کتاب چلبی مشهور است، نوشت. در سال ۱۰۱۷ در قسطنطنیه به دنیا آمد. سفرنامه سدی علی و اولیا چلبی به نام تاریخ السیاحه سفرهایی است که در خاک امپراطور عثمانی - ایران و اروپا انجام شده. کوشش پیری رییس در کشیدن نقشه از جمله استنساخ نقشه کلمبوس و شرح سدی علی از دریاها و اقیانوس‌ها در موضوعات جغرافیایی اهمیت زیادی دارد. (نفیسی احمد، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

در بین جغرافیدانان مسلمان نقش اعراب و ایرانیان بیش از جغرافیدانان سایر بلاد بود. به طوری که ترک‌ها جزو آخرین جغرافیدانان مسلمان به شمار می‌روند. جغرافیدانان ایرانی نقش به سزایی در توسعه تمدن اسلامی ایفا نمودند. در زیر به اجمال به شرح خدمات آنان می‌پردازیم.

۵- جغرافیدانان ایرانی

خدمات ایرانیان به اسلام به صدر اسلام باز می‌گردد. اولین فرد مسلمان ایرانی سلمان فارسی است. همین سابقه، وسیله‌ای بود برای اینکه خبر اسلام به ایران برسد و مردم ایران با اسلام آشنا شوند. علاقه ایرانیان به دین اسلام از آغاز ظهور این دین مقدس شروع شد. گسترش اسلام در شرق، جنوب شرق، شبه قاره هند، چین و جزایر اقیانوس هند مرهون فعالیت بی‌نظیر ایرانیان مسلمان است که از طریق بازرگانی و دریانوردی اسلام را به دورترین نقاط

آسیا رساندند. خدمت تمدن کهن ایرانی به تمدن جوان اسلامی در جنبه‌های مختلف صورت گرفت. تبلیغ و نشر علم و فرهنگ، ذوق و هنر و خدمت نظامی (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰) متعاقب خدمات عمومی ایرانیان به اسلام، جغرافیدانان مسلمان نیز در خدمت تمدن اسلامی قرار گرفتند. کرامرز می‌گوید در قرن سوم نفوذ یونان بر جغرافیای مسلمان مسلم بود، ولی از اواخر این قرن، نفوذ شرق بیش از غرب و بیشتر از سوی ایران بود. جندی شاپور هنوز یک مرکز بزرگ دانش و پژوهش بود (فرانتس تشنر، ۱۳۷۵، ص ۵).

مؤلفات جغرافیایی عربی و فارسی رابطه نزدیکی داشتند و نوشته‌های فارسی نوشته‌های عربی را تکمیل می‌کرد. پس از حمله مغول نوشته‌های جغرافیایی فارسی در مسیر مستقل افتاد. حافظ ابرو، محمد بن نجیب بکران، صدرالاقالیم محمد بن یحیی که در کرمان می‌زیسته، غیاث الدین عبدالرزق، ابوالفضل علامی، ابوریحان بیرونی، عبداللطیف شوشتری و ایرانیان بی‌شماری که در خدمت تمدن اسلامی قرار گرفتند (کراچکوفسکی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۰). در بین جغرافیدانان مسلمان، جغرافیدانان ایرانی چون ستارگانی می‌درخشند. چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی نقش مهمی در توسعه تمدن اسلامی برعهده داشتند از جمله آنها می‌توان از همدانی، ابن رسته، بلخی، اصطخری، قزوینی، حمدالله مستوفی، خوارزمی، ابن سرخسی، خرداذبه، بلاذری که ایرانی الاصل بوده، نویسنده حدودالعالم، ابوریحان بیرونی، ناصر خسرو، شهاب الدین عبدالله حافظ ابرو، عبدالرزاق، امین احمد رازی، احمد طوسی، محمد عوفی، عطاملک جوینی، قطب الدین شیرازی، نصیرالدین طوسی، رشید الدین فضل الله و ده ها جغرافیدان، مورخ، منجم را می‌توان نام برد که در خدمت رشد و توسعه تمدن اسلامی بودند. جغرافیدانان مسلمان از چند جهت در توسعه تمدن اسلامی نقش داشتند؛ به عبارتی، برای پیشبرد تمدن اسلامی به اشکال مختلف و متناسب با شرایط و اقتضائات از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کردند و تحت لوای بازرگان، دریانورد و منجم، به رشد و توسعه تمدن اسلامی کمک کردند.

جغرافیدانان فاتح سرزمین های جدید: قرن اول و دوم، توسعه قلمرو اسلامی با لشکر کشی همراه بود و جغرافیدانان با دیدگاه نظامی راه سپاه اسلام را هموار می‌کردند و با تهیه نقشه از نقاط مختلف جهان موجب شناخت بیشتر از سرزمین های اسلامی و غیره اسلامی شدند. اصولاً به نقشه نگاری از دوران باستان توجه ویژه ای به آن مبذول گشت. بدین ترتیب، در قرن دوم نقشه ای از دیلم برای حجاج بن یوسف در اوایل قرن سوم نخستین نقشه عالم به زبان عربی که حاوی جزئیاتی است، برمی‌خیزیم. علمای بغداد تحت حمایت مامون خلیفه عباسی (۲۱۸-۱۹۸) در بیت الحکمه به کار اشتغال داشتند و نخستین نقشه عالم را تهیه کردند که (الصورة المامونیه) نامیده شد. در قرون بعدی ابن حوقل، مقدسی، ابوریحان بیرونی، ادریس، احمد

طوسی، حافظ ابرو، نقشه های کامل تری تهیه کردند که سرزمین اسلامی و مناطق پیرامون آنها، راه ها و مسیرهای عبور، راه های عمده، مناطق حساس نظامی بر روی نقشه ها نشان داده می شد (مقبول احمد، ۱۳۷۵، صص ۸۸-۶۵).

۶- جغرافیدانان در نقش دریانوردان

تا وفات پیامبر (ص) گسترش اسلام محدود به مرزهای شبه جزیره عربستان بود، اما پس از پیامبر از سرزمین عربستان فراتر رفت. اولین برخورد مسلمانان با دریا بود؛ زیرا از سه طرف سرزمین عربستان با دریا محصور است. عبور از دریا برای آنان حیاتی بود. با توجه به اینکه اعراب قبل از ظهور اسلام در دریا نوردی تبحر داشتند، لذا در عبور از دریا با مشکل خاصی برخورد نکردند. مسلمانان فن دریانوردی را از ایرانیان آموخته و در آن مهارت یافته بودند. احمد بن ماجد از رهنما ای یاد می کند که محمد بن شاذان، سهل بن ایان و لیث بن کهلان در اواخر قرن سوم تدوین کرده بودند. سفرنامه سلیمان بازرگان از جمله کهن ترین سفرنامه ها می باشد که در باره چین و هند و مشاهدات وی از این سرزمین ها بوده است. از نویسندگان برجسته در دریانوردی می توان از بزرگ بن شهریار ناخدای رامهرمزی در (۳۹۹-۲۹۹) نام برد (فرانتس تشر- ۱۳۷۵، ص ۳). در دوران تمدن اسلامی دریانوردان معمولاً از ایرانیان بودند. دو معلم بزرگ دریانوردی که در منابع به آنها اشاره شده، یکی احمد بن ماجد و دیگری سلیمان مهری که عرب بودند و بقیه دریانوردان اکثراً از ایرانیان هستند. (کراچکوفسکی، ۱۳۸۴؛ ص ۴۳۸).

آنچه مسلم است، جغرافیدانان در نقش دریانوردان به سفرهای دور و درازی می رفتند و آیین اسلام را در مناطق دور تبلیغ می کردند.

۷- جغرافیدانان در نقش بازرگانان

دریانوردی مقدمه توسعه بازرگانی بود. دریاها معمولاً مسیرهای کم خطر و کم حادثه محسوب می شود. بازرگانان برای رسیدن به مناطق دور از دریا استفاده می کنند. بدین ترتیب، دریانوردی موجب توسعه بازرگانی و حضور بازرگانان مسلمان خود موجب گسترش اسلام در سرزمین های دور، خصوصاً در هند و چین و جنوب شرق آسیا شد. مثلاً اسلام در کشمیر توسط یک ایرانی که بالباس قلندران وارد این منطقه شد، گسترش یافت. میرسید علی همدانی از مبلغان بزرگ ایرانی بود که در ترویج اسلام نقش مهمی داشت. اسلام در چین به وسیله گروهی از بازرگانان خوارزمی و تجار بخارا و سمرقند که در قرن های نخستین اسلامی به آنجا رفتند نفوذ پیدا کرد. پس از حمله مغول جماعت زیادی از ایرانیان در چین ساکن شدند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۳۳۷). گسترش اسلام در شرق غالباً به وسیله دریانوردان، بازرگانان و

مبلغان مذهب صورت گرفت. مواردی را نمی توان پیدا کرد که اسلام از طریق نظامی در قرون بعدی به این سرزمین ها نفوذ کرده باشد.

۸- جغرافیدانان منجم

نجوم جایگاه ویژه ای در تمدن اسلامی دارد. یکی از علل توجه مسلمانان به نجوم به موقعیت جغرافیایی و سرزمینی مسلمانان بر می گردد. مسلمانان بادیه نشین بودند؛ لذا همواره با فضای آزاد و آسمان باز در ارتباط بودند. با اجرام سماوی همراه و همراه می شدند. برای آنان لذت بخش بود. منجمان علاوه بر اینکه به رصد اجرام سماوی به عنوان یک دانش توجه داشتند، جنبه کاربردی نیز به آن می دادند و اثرات پدیده های نجومی بر زندگی را غیر قابل انکار می دانستند؛ لذا این دانش به سرعت در بین مسلمین رشد کرد و مورد توجه جدی قرار گرفت. از جمله منجمان مبرز مسلمان که آثار و نظریات آنان مورد بحث استفاده جغرافیدانان مسلمان واقع شد، الکندی متوفی ۲۶۰ هـ ق است. سرخسی، فرقانی، بلخی، تبانی، بیرونی، عطاملک جوینی، نصیرالدین طوسی، رشیدالدین فضل الله از ستاره شناسان و منجمان به نام اسلامی هستند (فرانتس تشر؛ ۱۳۷۵؛ ص ۱۳).

خوارزمی از دانشمندان به نام اسلامی است. چون نجوم و ریاضیات براندیشه خوارزمی چیره بود، کتاب جغرافیای خود را به صورت زیج، یعنی جدول نجومی در آورد (کراچکوفسکی، ۱۳۷۴؛ ۷۵). جغرافیدانان مسلمان در لباس و اندیشه و شغل مختلف و با ابزارهای متفاوت در توسعه تمدن اسلامی نقش خود را ایفا کردند.

۹- نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، می توان گفت که ظهور اسلام آغازگر تحولات عظیمی در تاریخ بشر بود که توانست در مدت زمان کوتاهی در بخش وسیعی از جهان جایگاهی کسب نماید. توجه مسلمانان به جغرافیا به جهت اینکه می توانست در توسعه و گسترش تمدن اسلامی نقش داشته باشد، مثبت بود. زیرا جغرافیدانان مسلمان در راهنمایی سپاه اسلام در فتح سرزمین های جدید بسیار موثر بودند و این جغرافیدانان با الهام از جغرافیای یونانی پایه های دانش جغرافیا را در سرزمین های اسلامی بنا نهادند و به تقویت آن پرداختند. به گونه ای که در مدت کوتاهی، آموخته ها و یافته های جغرافیایی مسلمانان از غرب پیشی گرفت. قرون وسطی سایه سنگین هزار ساله خود را بر غرب گسترانید و امکان توسعه علمی برای آنان محدود گشت، اما مسلمانان در سایه تعالیم روشنی بخش اسلام، سردمدار توسعه علمی بودند. آنها با آموزش هایی که از یونانیان گرفتند و با جدیت و تلاشی که کردند، جغرافیا را توسعه داده و آن را در خدمت توسعه تمدن اسلامی قرار دادند. غرب در آغاز دوره رنسانس از یافته های علمی

جغرافیدانان مسلمان استفاده کرد. به طوری که رشد و رونق جغرافیایی غرب مدیون جغرافیای اسلامی است و در زمینه هایی چون دریانوردی، تهیه نقشه های دریایی، ساخت ابزار و وسایل، جغرافیدانان غربی را یاری کردند. جغرافیدانان ایرانی به عنوان بخشی از جغرافیدانان مسلمان نقش با اهمیتی در توسعه تمدن اسلامی ایفا کردند، خصوصاً در گسترش اسلام به شرق؛ آنان جغرافیدانان مسلمان یا مروجین اسلام بودند یا به عنوان راهنمای آنان عمل می کردند.

کتابنامه

- ۱- ابن حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)، ترجمه دکتر جعفر شعار؛ انتشارات امیرکبیر چاپ دوم.
- ۲- ابن بطوطه، ۱۳۷۰، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد؛ انتشارات آگاه؛ چاپ پنجم.
- ۳- اصطخری، ۱۳۶۸، المسالك والممالك، به اهتمام ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۴- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۳۶۷، فتوح البلدان، ترجمه دکتر محمد توکل، نشر نقره.
- ۵- جیحانی، ۱۳۶۸، اشکال العالم، ترجمه فیروز منصوری، انتشارات شرکت به نشر، چاپ اول.
- ۶- حافظ ابرو، ۱۳۶۸، جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی، انتشارات شرکت به نشر، چاپ اول.
- ۷- خاتمی، سید محمد، ۱۳۷۷، از دنیای شهر تا شهر دنیا، نشر نی، چاپ ششم.
- ۸- خاتمی، سید محمد، ۱۳۷۷، بیم موج، انتشارات سیمای جوان، چاپ پنجم.
- ۹- فرانتس تشنر، ۱۳۷۵، تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی، ترجمه دکتر محمد حسن گنجی، انتشارات دایره المعارف اسلامی.
- ۱۰- قره نژاد، حسن، ۱۳۷۱، «جغرافیای قرون وسطی با توجه به دو تن از جغرافیدانان اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲۲.
- ۱۱- قزوینی، ۱۳۶۶، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرافکندی، انتشارات موسسه علمی اندیشه جوان.
- ۱۲- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، ۱۳۸۴، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده انتشارات علمی و فرهنگی چاپ دوم.
- ۱۳- لسترنج، ۱۳۶۷، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ سوم.

۱۴- مسعودی، ۱۳۶۵، التنبيه الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ

دوم.

۱۵- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، خدمت متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هشتم.

۱۶- مقبول احمد، ۱۳۷۵، تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات

دایره المعارف اسلامی.

۱۷- مقدسی، ۱۳۶۲، احسن التفاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، انتشارات شرکت

مؤلفان و مترجمان.

۱۸- نفیس احمد، ۱۳۷۴، خدمات مسلمانان به جغرافیا ترجمه حسن لاهوتی، انتشارات آستان قدس

رضوی.

۱۹- هانسبرگر، آلیس، سی، ۱۳۸۲، سفرنامه ناصر خسرو، به اهتمام محسن خادم انتشارات ققنوس.

